

## **Investigating the Moderating Role of Board Characteristics on the Relationship Between Company Value and Tax Planning**

**Saman Mohammadi** (Corresponding author)

Assistant Professor of Accounting, Faculty of Social Sciences, Razi University,  
Kermanshah, Iran.

[s.mohammadi@razi.ac.ir](mailto:s.mohammadi@razi.ac.ir)

**Mohammad Mohammadi**

Assistant Professor of Accounting, Parandak Non-Profit University, Tehran,  
Iran.

**Kazhal Mohammadi**

Master of Accounting, Shahid Rezaei Non-Profit University.

### **Abstract**

Taxation is one of the most important government revenues, especially in third world countries, receiving and spending it is associated with many challenges. For this reason, some companies are trying to get less tax out of the company for various reasons and motives. The main purpose of this study is to investigate the moderating role of board characteristics on the relationship between firms value and tax planning in companies listed on the Tehran Stock Exchange. This research is applied in terms of purpose and analytical in nature. To collect its data, the financial statements of the companies of Tehran Novin Stock Exchange have been used. The statistical sample of the research is 105 companies listed on the Tehran Stock Exchange during the years 1393 to 1398. The findings of the present study show that the value of the company has a positive and significant effect on tax planning and the duality of the CEO's duties, the size and independence of the board of directors intensifies the effect of the value of the company on tax planning.

**Keywords:** Board features, Company value, Tax planning.

تاریخ دریافت مقاله:

۱۴۰۱/۰۲/۱۹

تاریخ پذیرش مقاله:

۱۴۰۱/۰۳/۲۳

## اثر تعدیل کننده ویژگی های هیات مدیره بر رابطه بین ارزش شرکت و برنامه ریزی مالیاتی

سامان محمدی (نویسنده مسئول)

استادیار حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

s.mohammadi@razi.ac.ir

محمد محمدی

استادیار حسابداری، دانشگاه غیر انتفاعی پرندک، تهران، ایران.

کژال مرادی

کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه غیر انتفاعی شهید رضایی.

### چکیده

مالیات یکی از مهم ترین درآمدهای دولت است که به ویژه در کشورهای جهان سوم، دریافت و هزینه کرد آن با چالش های بسیاری همراه است. به همین دلیل برخی از شرکت ها به دلایل و انگیزه های مختلف در تلاش هستند که مبلغ مالیات کمتری از شرکت خارج گردد. هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی نقش تعدیل گر ویژگی های هیات مدیره بر رابطه بین ارزش شرکت و برنامه ریزی مالیاتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت تحلیلی می باشد. برای جمع آوری داده های آن از صورت های مالی شرکت های بورس اوراق بهادار تهران استفاده شده است. نمونه آماری پژوهش ۱۰۵ شرکت از شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۹۳ الی ۱۳۹۸ می باشد. یافته های پژوهش حاضر نشان می دهد که ارزش شرکت تاثیر مثبت و معناداری بر برنامه ریزی مالیاتی دارد و دوگانگی وظایف مدیرعامل، اندازه و استقلال هیات مدیره تاثیر ارزش شرکت بر برنامه ریزی مالیاتی را تشدید می کند.

**کلمات کلیدی:** ویژگی های هیات مدیره، ارزش شرکت، برنامه ریزی مالیاتی.

## ۱. مقدمه

برخی پژوهشگران استدلال می‌کنند که برنامه‌ریزی مالیاتی و کاهش مبلغ مالیات پرداختی می‌تواند با افزایش منابع شرکت، ارزش شرکت را در بلندمدت افزایش دهند. ولیکن ریسک افشای اجتناب مالیاتی و جرائم مالیاتی می‌تواند وجه عمومی شرکت در بازار سرمایه و نزد ذینفعان را تخریب نماید که این امر در نهایت کاهش ارزش شرکت را به دنبال دارد. از سوی دیگر، هیات مدیره شرکت مسئول اصلی سیاست گذاری در شرکت می‌باشد که تصمیمات برنامه‌ریزی مالیاتی تحت نظر آنان اعمال می‌شود (نظیر و همکاران، ۲۰۱۸). عدم هماهنگی بین حسابداری مالی و قوانین مالیاتی فرصتی برای مدیران فراهم آورد تا بتوانند درآمد دفتری و یا سود مشمول مالیات را دستکاری نمایند. کاهش شفافیت گزارشگری در تخلفات ناشی از فرار مالیاتی بی‌تأثیر نبوده است. در اکثر پژوهش‌های انجام شده در خصوص گزارشگری مالی علایق استفاده‌کنندگان برون سازمانی شامل سرمایه‌گذاران، مدیران، حساب‌رسان و دانشگاهیان اساس کار قرار می‌گیرد. در حالی که به نقش پراهمیت دولت به‌عنوان یکی از گروه‌های ذینفع همیشگی گزارشگری مالی، کمتر توجه می‌شود. توجه به ارائه اطلاعات شفاف به دولت و سهم آن از گزارشگری مالی و کمک گزارشگری مالیاتی امکان‌پذیر است (چن و همکاران، ۲۰۱۹). نقش نهادهای قانون‌گذار در الزامی کردن افشای اطلاعات و افزایش شفافیت برجسته‌تر از گذشته می‌شود. گرچه اطلاعات کامل در بهترین شرایط نیاز به الزام قانونی دارد. مدیران معمولاً فعالیت‌های متقلبانه خود را از طریق گزارشگری مالی متقلبانه انجام می‌دهند. سیستم پاداش مدیران می‌تواند انگیزه مدیران را برای گزارشگری مالی متقلبانه و همچنین استراتژی جسورانه؛ از جمله سیاست تقلیل دهنده مالیات بیفزاید. ممکن است مدیران انگیزه داشته باشند که شرکت را وارد طرح‌ها و برنامه‌های مالیاتی جسورانه نمایند و بدینوسیله حداکثر منفعت را به دست آورند و در حالیکه ممکن است این استراتژی‌ها و برنامه‌ها به نفع شرکت و سهامداران نباشد و در افق بلندمدت و یا حتی کوتاه مدت هزینه‌های هنگفتی به شرکت تحمیل و ارزش شرکت را به حداقل رسانند. یکی از استراتژی‌هایی که سهامداران و ذینفعان می‌توانند اتخاذ نمایند تا بدینوسیله از این پیامدها اجتناب شود، ایجاد ترکیب هیئت مدیره مناسب است تا بدینوسیله اثربخشی هیئت

---

<sup>1</sup>: Nazir et al

<sup>2</sup>: Chen et al

مدیره افزایش یابد. ترکیب مناسب مدیران می‌تواند عاملی بازدارنده برای سیاست تقلیل‌دهنده مالیات باشد. بنابراین می‌توان چنین انتظار داشت که در صورت وجود هیئت مدیره کارا و قوی، شرکت‌ها کمتر به سوی فعالیت‌ها و طرح‌های جسورانه مالیاتی حرکت نمایند و از اثرات سوء بر ارزش جلوگیری شود (سپاسی و همکاران، ۱۳۹۵). مهمترین اهداف فعالیت‌های اقتصادی دولت را می‌توان مواردی از قبل تخصیص منابع، توزیع عادلانه درآمد، رشد اقتصادی، افزایش اشتغال، ثبات اقتصادی، حفظ سطح عمومی قیمت‌ها، بهبود تجارت بین‌المللی و تراز پرداخت‌ها برشمرد. برای انجام این وظایف دولت‌ها مجبورند هزینه‌های بسیار سنگینی را محتمل شوند. برای تأمین مالی این مخارج لازم است منابع درآمد گوناگونی مهیا شود. درآمد دولت‌ها عمدتاً به دو گروه درآمدهای مالیاتی و درآمدهای غیرمالیاتی تقسیم می‌شود. نقش درآمدهای مالیاتی در بسیاری از کشورها در مقایسه با سایر منابع درآمدی بیشتر حائز اهمیت است. به عبارت دیگر مقایسه این منبع مهم با سایر منابع حاکی از آن است که هرچه سهم مالیات‌ها در تأمین مخارج دولت بیشتر باشد آثار نامطلوب اقتصادی کمتر خواهد شد. به همین دلیل در کشورهای پیشرفته برخلاف کشورهای دیگر، مالیات‌ها در تأمین مالی مخارج دولت نقش بسیار زیادی دارند و تقریباً قسمت عمده مخارج دولت از این طریق تأمین می‌شود (رضایی و ترک‌زاده، ۱۳۹۵). با توجه به اهمیت مالیات برای دولت‌ها، شرکت‌ها نیز برنامه‌های مالیاتی خاص خود را پیگیری می‌کنند. مدیران مالی اکثر شرکت‌ها، کاهش مالیات مؤثر شرکت را به عنوان هدف اصلی مالی خود در نظر می‌گیرند. ظاهراً، این مدیران شرکت‌ها بر این باورند که کاهش نرخ مالیات مؤثر ایجاد ارزش برای سهامداران خود است. با این حال، بررسی‌های اخیر با سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران مالی نشان می‌دهد که پس از پرداخت مالیات در زمان ارزیابی شرکت، توجه کمی به آنها شده است. این سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران اعتقاد ندارند که یک شرکت می‌تواند نرخ مالیات قانونی شرکت را به طور قابل ملاحظه‌ای بهتر کند. آنها همچنین فکر می‌کنند که اطلاعات مالیاتی در حساب‌های عمومی خیلی نامشخص است و برای ارزیابی آنها غیرقابل استفاده است. اغلب شرکت‌ها به خصوص شرکت‌های چند ملیتی، از ابتکارات مدیریت مالی برای جلوگیری از پرداخت برخی از مالیات‌ها استفاده می‌کنند. این برنامه‌ها مانع از برآورده ساختن اهداف درآمدی شرکت‌ها برای سرمایه‌گذاران خود می‌شود. این شرکت‌ها در مقادیری که به عنوان مالیات و به ویژه نرخهای مالیات مؤثر آنها پرداخت می‌کنند، متفاوت هستند. بعضی از شرکت‌ها با توجه به برنامه‌ریزی مالیات

خود، در طول سال‌ها سودآوری بالایی داشته‌اند. شرکت‌ها با توجه سیاست‌های مالی و شرایط اقتصادی خود از، برنامه‌های مالیاتی مختلفی بهره می‌برند گاهی فرار مالیاتی، اجتناب از پرداخت، دستکاری درآمد و ... که تمامی این برنامه‌ها را می‌توان نتیجه تفکرات و برنامه‌های هیئت مدیره و تیم مدیریتی حاکم بر شرکت دانست. گستردگی و تنوع هیئت مدیره می‌تواند باعث افزایش اثربخشی و بهبود اجرای وظایف مدیریت گردد. با این حال هیئت مدیره زمانی می‌تواند نقش خود را به صورت مؤثر ایفا نماید که قادر باشد رأی و نظر افرادی که نقش کلیدی در تصمیمات هیئت مدیره دارند را به نحو مناسب بررسی و محدود نماید (لانیس و ریچاردسون<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶). به عبارت دیگر، کنترل هیئت مدیره توسط افراد و گروه‌های خاص می‌تواند مانع جدی بر سر راه ایفای وظایف هیئت مدیره گردد. نفوذ مدیران موظف روی هیئت مدیره می‌تواند زمینه را برای درگیر شدن مدیران به خصوص اعضای هیئت مدیره به تبانی برای تسخیر ثروت سهامداران فراهم آورد (دسای و دارمافالا<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷). ارزش‌گذاری یکی از موضوعات اساسی در مدیریت سرمایه‌گذاری است. سرمایه‌گذاری، تأمین مالی و انجام امور مالی شرکتی هر یک به گونه‌ای ارزش‌گذاری را بخشی از فرآیند عملیاتی و اجرایی خود در نظر می‌گیرند. ارزش‌گذاری دارای مقاصد و اهداف مختلف و گسترده‌ای هم برای شرکت در مواجهه با موقعیت‌های مختلف و هم برای عوامل تأثیرگذار خارجی می‌باشد. گرچه روش‌های ارزش‌گذاری نباید به هدف ارزش‌گذاری وابسته باشند، اما اینکه هدف پیش از انجام هرگونه محاسبه‌ای تعریف شده باشد حائز اهمیت می‌باشد (دارابی و علی‌مردانی، ۱۳۹۶). در صورتی که تضاد منافع نادیده گرفته شود، پژوهش‌های موجود بیانگر آن است که مدیر به دنبال حداکثر کردن ارزش شرکت است لذا سطح بهینه‌ای از وجه نقد را نگهداری می‌کند و به دنبال راه‌های افزایش و جلوگیری از کاهش ارزش شرکت می‌باشد. همچنین با توجه به این که نقش تعدیلگر ویژگی‌های هیأت مدیره بر رابطه بین برنامه‌ریزی مالیاتی و ارزش شرکت تاکنون در داخل کشور مورد پژوهش قرار نگرفته است از این رو نتایج حاصل از این پژوهش دارای مزایای قابل توجهی برای شرکت‌ها می‌باشد. بنابراین انتظار می‌رود که ویژگی‌های هیأت مدیره نیز نقش

---

<sup>1</sup>: Lanis & Richardson

<sup>2</sup>: Desai & Dharmapala

تعیین کننده‌ای بر رابطه بین ارزش شرکت و برنامه‌ریزی مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران داشته باشد.

مالیات یکی از موثرترین مولفه‌های موجود برای دولت در جهت دستیابی به اهداف درآمدی و سیاست‌های مالی به حساب می‌آید و ارتباط تنگاتنگی به عنوان یک عنصر اقتصادی با مسائل سیاسی و اجتماعی دارد. مطابق با ادبیات اقتصادی موجود می‌توان منابع مالیاتی را به عنوان منابعی انعطاف پذیر و مقاوم در برابر تورم دانست (لاینس و همکاران، ۲۰۱۸). در این مسیر ایران بنا بر سوابق تاریخی از قدیمی‌ترین کشورهای است که برای تامین منابع خود، دست به وصول مالیات زده است. بازی بین مراجع مالیاتی، شرکت‌ها و افراد از دیرباز جز رقابت‌های طبیعی و لذت‌بخش بوده است. هرگاه مرجع مالیاتی برای حل اختلاف موجود قانون جدیدی وضع کرده است، مدیران شرکت‌ها در تلاش برای ایجاد مجدد این اختلاف استراتژی خود را تغییر داده‌اند تا از مزیت این اختلاف به نفع خود استفاده کنند (باباخانی و عبدی، ۱۳۹۵). شرکت‌ها تمایل دارند سودهای خود را در تلاش برای رسیدن به پیامدهای خاص گزارشگری مالی و انتقال اطلاعات به شرکت‌کنندگان در بازار افزایش دهند. با توجه به اهمیت روزافزون سهم مالیات در درآمدهای کشور، دولت برای کسب این درآمد به منظور ارائه خدمات دولتی طبق بودجه برنامه‌ریزی می‌کند (پورحیدری و همکاران، ۱۳۹۳). فرهنگ‌سازی برای افراد جامعه که خود از مؤدیان مالیاتی نیستند به شکل ساده‌تری صورت می‌پذیرد. این افراد با توجه به عواقب کاهش بودجه و آثار تورمی آن که باعث کاهش دارایی‌های ریالی آنها می‌شود و آثار مخرب دیگر نظری بر خلاف نظر مؤدیان خواهند داشت، این فرهنگ‌سازی و همچنین پیش‌بینی مدیریت سود به همراه برنامه‌ریزی مالیاتی باعث شده مردم برای خرید سهام، سهام شرکت‌هایی که برنامه‌ریزی مالیاتی ندارند را به شرکت‌هایی که برای پرداخت مالیات برنامه‌ریزی دارند، ترجیح دهند. با توجه به اینکه برنامه‌ریزی مالیاتی در راستای مدیریت سود اتفاق می‌افتد افراد جامعه دست مدیران را برای این عمل و همچنین اعمال امور نامشخص باز می‌گذارند (حساس‌یگانه و باغومیان، ۱۳۹۵). برنامه‌ریزی مالیاتی، مجموعه عملیاتی است که نتیجه آن عمدتاً کاهش مالیات پرداختنی و یا انتقال مالیات پرداختنی دوره به دوره‌های بعد است. این کاهش مالیات پرداختنی باعث افزایش سود پس از کسر مالیات می‌شود. با توجه به نوع قرارداد مدیران، این افزایش سود می‌تواند باعث افزایش منافع مدیران شود. از آنجا که مدیران علاقه‌مندند در راستای حداکثر کردن منافع

شخصی، رفاه اجتماعی و تثبیت موقعیت شغلی خود، تصویر مطلوبی از وضعیت شرکت به سهامداران و سایر افراد ذینفع ارائه نمایند و برنامه‌ریزی مالیاتی می‌تواند کمک شایانی به تحقق اهداف مدیران کند (جینه و همکاران، ۲۰۱۹). از سویی دیگر، تنها عاملی که باعث تغییر قیمت سهام در بازار می‌شود، رقم سود پس از کسر مالیات در صورت‌های مالی منتشر شده نیست و موارد دیگری در تغییرات قیمت سهام دخالت دارند، که از آن موارد می‌توان از حاکمیت شرکتی (سود تقسیمی)، (اجتناب مالیاتی)، (نوع استراتژی)، (مراحل استراتژی) و (مدیریت وجه نقد) را نام برد (رضایی، ۱۳۹۶). علاوه‌براین، برخی متغیرهای اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی در تغییرات ارزش شرکت سهیم‌اند. در انگلیس نقش برنامه‌ریزی مالیاتی به دو دلیل تخطی از مسئولیت‌های اجتماعی و مدیریت سود باعث کاهش ارزش سهام شده است. سهامداران بالقوه و بالفعل شرکت به این موضوع توجه کرده‌اند که علاوه‌بر تخطی از مسئولیت‌های اجتماعی، برنامه‌ریزی مالیاتی بیشتر، نشان از تسلط مدیران و توان آنها نسبت به مدیریت سود بیشتر است. برخی از مطالعات نشان می‌دهد که میان ارزش شرکت و برنامه‌ریزی مالیاتی ارتباط مستقیمی وجود ندارد و برخی دیگر نیز نشان دادند که ارتباط منفی میان برنامه‌ریزی مالیاتی و ارزش شرکت وجود دارد. در شرایطی که میان ارزش شرکت و برنامه‌ریزی مالیاتی ارتباط منفی وجود داشته باشد، نشانه وجود نمونه‌ای از تئوری نمایندگی می‌باشد. بررسی این اختلاف نظر میان مدیران و سرمایه‌گذاران در انجام یا عدم انجام برنامه‌ریزی مالیاتی مورد توجه خواهد بود (عرب‌مازار و همکاران، ۱۳۹۰). در این پژوهش نقش ویژگی‌های هیأت مدیره در رابطه بین برنامه‌ریزی مالیاتی و ارزش شرکت بررسی می‌شود که آیا پیوندی بین ساختارهای مدیریت شرکت‌ها از جمله ویژگی‌های هیأت مدیره و برنامه‌ریزی مالیات شرکت‌ها وجود دارد یا خیر. در واقع، برنامه‌ریزی مالیاتی هزینه‌های قابل‌توجهی را به شرکت‌ها و سهامداران تحمیل می‌کند. اگرچه کاهش مالیات ممکن است مستلزم افزایش سود پس از مالیات باشد، اما هزینه‌های واقعی و بالقوه شرکت‌ها را از به حداکثر رساندن سود پس از مالیات خود از طریق برنامه‌ریزی مالیاتی باز می‌دارد. با این حال، هزینه‌های غیرمالیاتی ممکن است در حضور فعالیت‌های برنامه‌ریزی مالیاتی افزایش یابد، به‌ویژه آنهایی که ناشی از مشکلات نمایندگی هستند. به‌طور خاص، شیوه‌های تهاجمی‌تر برای برنامه‌ریزی مالیاتی ممکن است با افزایش فرصت برای مدیران شرکت همراه باشد. به این معنا که اگر اجتناب مالیاتی شفافیت شرکتی را کاهش دهد، اجتناب از پرداخت مالیات این فرصت را برای

مدیران فراهم می‌کند تا منابع سازمانی را برای منافع شخصی منحرف کنند. به همین ترتیب، به دلیل تأثیرات قابل توجه نرخ مالیات مؤثر بر سرمایه‌گذاری در بازار و ارزش سهامداران، رابطه منفی بین نرخ مالیات مؤثر<sup>۱</sup> و قیمت سهم وجود خواهد داشت. بنابراین، ویژگی‌های هیات مدیره می‌تواند بر رابطه بین برنامه‌ریزی مالیاتی و ارزش شرکت تأثیر بگذارد. بنابر این مسأله اصلی این پژوهش پاسخ به این سوال است که ویژگی‌های هیات مدیره تا چه اندازه بر رابطه بین ارزش شرکت و برنامه‌ریزی مالیات اثر گذار است؟

## ۲. پیشینه پژوهش

### ۲.۱. پژوهش‌های داخلی

نویخت و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر ارزش شرکت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌های پژوهش آنها نشان می‌دهد که اجتناب از پرداخت مالیات بر معیارهای حسابداری ارزش شرکت تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد، به این معنی که با افزایش اجتناب مالیاتی ارزش شرکت افزایش می‌یابد. شدت این افزایش در ارزش برآوردی شرکت از طریق جریان نقد آزاد ناشی از کسب و کار نسبت به ارزش برآوردی شرکت از طریق جریان نقد آزاد برای واحد تجاری بیشتر است که می‌تواند ناشی از خستگی شدن اثر تأمین مالی در آن باشد. بدین ترتیب نتایج پژوهش حاکی از تأیید تئوری ارزش آفرینی در رابطه بین فعالیت‌های اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت است. پورزمانی و خریدار (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی تأثیر مالکان نهادی عمده بر ارزش شرکت پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که بین مالکیت نهادی عمده و ارزش شرکت و همچنین بین حق آرا در دست دومین و سومین سهامدار عمده و ارزش شرکت در بانکها و صندوق‌های سرمایه‌گذاری ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

معطوفی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی رابطه یکی از ویژگی‌های مدیرعامل (دوره تصدی) و برنامه‌ریزی مالیاتی پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان می‌دهد، رابطه منفی و معنادار بین دوره تصدی مدیرعامل و برنامه‌ریزی مالیاتی وجود دارد.

---

<sup>۱</sup> . Effective tax rates (ETR)



جلالی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی نقش تعدیل‌کننده اندازه شرکت بر رابطه بین بحران مالی، ساختار مالکیت و مدیریت مالیاتی پرداختند. شواهد و نتایج تجربی پژوهش نشان داد که متغیرهای بحران مالی و مالکیت مدیریتی تأثیر مستقیم و معنادار و متغیر مالکیت نهادی تأثیر منفی بر مدیریت مالیاتی شرکت‌ها دارند. بین مالکیت دولتی و مدیریت مالیاتی رابطه معناداری یافت نشد. همچنین اندازه شرکت رابطه بین بحران مالی و مدیریت مالیاتی را تقویت و رابطه بین مالکیت نهادی و مدیریت مالیاتی را تضعیف می‌نماید؛ بنابراین می‌توان دریافت شرایط شرکت‌ها شامل نظام راهبری و توانایی آن‌ها در تأمین منابع مالی جزء عوامل تعیین‌کننده مدیریت مالیاتی محسوب می‌گردد. همچنین اندازه شرکت نقش این عوامل را در تعیین مدیریت مالیاتی تعدیل می‌کند.

گرکز (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی تأثیرگذاری برنامه‌ریزی مالیاتی بر ارزش شرکت پرداخت. نتایج پژوهش او نشان داد که برنامه‌ریزی مالیاتی تأثیر مثبت و معناداری بر ارزش شرکت دارد. در واقع با افزایش در برنامه‌ریزی مالیاتی، ارزش شرکت افزایش می‌یابد.

دارابی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی رابطه بین مسئولیت اجتماعی، عملکرد اقتصادی و اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج حاصل از آزمون فرضیات پژوهش نشان می‌دهد که اگر شرکت دارای مسئولیت اجتماعی باشد میانگین اجتناب از مالیات و میانگین ارزش افزوده اقتصادی آن‌ها کم‌تر خواهد شد و بالعکس اگر شرکتی دارای مسئولیت اجتماعی نباشد میانگین اجتناب از مالیات و میانگین ارزش افزوده اقتصادی آن‌ها نیز افزایش خواهد یافت. اندازه شرکت بر میزان اجتناب از مالیات دارای تأثیر معنادار است و هر آنچه اندازه شرکت بزرگ (کوچک) باشد میزان اجتناب از مالیات نیز افزایش (کاهش) خواهد یافت. اندازه شرکت و بازده دارایی‌ها بر میزان ارزش افزوده اقتصادی شرکت‌ها دارای تأثیر معنادار است. متغیرهای اهرم مالی و نسبت ارزش بازاری به ارزش دفتری تأثیر معناداری بر اجتناب از مالیات و ارزش افزوده اقتصادی ندارند.

مشایخی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی رابطه بین برخی از معیارهای مهم راهبری شرکتی شامل درصد مالکیت نهادی، استقلال و اندازه هیئت مدیره و اجتناب مالیاتی پرداختند. نتیجه بررسی

آنان با استفاده از الگوی پنل نامتوازن نشان دهنده عدم رابطه معنادار بین راهبری شرکت و اجتناب مالیاتی است.

مهربان پور و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی و شناسایی عوامل مؤثر بر اجتناب از مالیات پرداختند. یافته‌های آنان حاکی از آن است که کیفیت افشا، بیش اطمینانی مدیریتی، تخصص حسابرسان، محدودیت مالی و اندازه شرکت بر اجتناب از پرداخت مالیات تأثیر معنادار و مستقیمی دارد. همچنین بین رقابت بازار محصول، استقلال هیئت‌مدیره و محافظه‌کاری با اجتناب از مالیات رابطه معناداری مشاهده نشد. سایر یافته‌ها نشان می‌دهد که اجتناب از مالیات بر بازده دارایی‌ها و ارزش افزوده اقتصادی تأثیر معناداری ندارد ولیکن بر بازده حقوق صاحبان سهام، ارزش شرکت و وجه نقد عملیاتی تأثیر معنادار و مثبتی دارد.

پاک مرام و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی تأثیر برنامه‌ریزی مالیاتی شرکت‌ها بر عملکرد آنها در بازار پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که بین برنامه‌ریزی مالیاتی، رشد فروش و اندازه شرکت با عملکرد بازار شرکت رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین، نتایج آنها نشان داد که بین عمر شرکت و اهرم مالی با عملکرد بازار شرکت رابطه معناداری وجود دارد.

پژوهش فروغی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش و سطح نگهداشت وجه نقد شرکت‌ها پرداختند. اجتناب مالیاتی، منجر به کاهش پرداخت مالیات می‌شود ولیکن، جریان اطلاعات شرکت‌ها را محدود می‌کند که این امر افزایش تضاد منافع بین مدیران و سهامداران را در پی دارد. اگر سرمایه‌گذاران، اجتناب مالیاتی را به‌عنوان امکان انحراف از منابع شرکت تلقی کنند، تأثیر منفی بر ارزیابی آنها از سطح نگهداشت وجه نقد شرکت خواهد داشت. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که اجتناب مالیاتی بر سطح نگهداشت وجه نقد و ارزش و وجه نقد نگهداری شده توسط شرکت اثر منفی دارد.

## ۲,۲. پژوهش‌های خارجی

عبدالفتاح و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی به بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی و کیفیت حاکمیت شرکتی با مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها پرداختند. همچنین آنان رابطه بین مسئولیت اجتماعی و بازده سهام را نیز مورد ارزیابی قرار دادند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین اجتناب مالیاتی و کیفیت حاکمیت شرکتی با مسئولیت

اجتماعی شرکت رابطه مثبت و معناداری برقرار است. همچنین افزایش عملکرد اجتماعی شرکت به بازده بیشتر سهام آن شرکت منجر می‌شود.

تیلور و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی رابطه بین ناکارایی نیروی انسانی و اجتناب مالیاتی شرکت پرداختند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد که بین ناکارایی نیروی انسانی و اجتناب مالیاتی رابطه مثبتی وجود دارد.

جینه و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی تأثیر پاداش مدیرعامل بر اجتناب مالیاتی با توجه به تأثیر تعدیل‌گیری کیفیت حسابرسی پرداختند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد که بین پاداش مدیرعامل و اجتناب از پرداخت مالیات، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین سایر یافته‌های آنان نشان می‌دهد که کیفیت حسابرسی رابطه یادشده را تعدیل می‌کند. به بیانی دیگر، در شرکت‌هایی که توسط مؤسسات حسابرسی با کیفیت حسابرسی شده‌اند، رابطه بین پاداش مدیرعامل و اجتناب مالیاتی منفی است.

خاولا و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی نقش تعدیل‌کنندگی ویژگی‌های هیئت‌مدیره بر رابطه بین برنامه‌ریزی مالیاتی و ارزش شرکت پرداختند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد که بین برنامه‌ریزی مالیاتی و ارزش شرکت رابطه مثبتی وجود دارد. همچنین یافته‌های آنان حاکی از تأثیر منفی و معنادار استقلال هیئت‌مدیره، تنوع جنسیتی و دوگانگی وظایف مدیرعامل بر رابطه بین برنامه‌ریزی مالیاتی و ارزش شرکت است.

سینگلا و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی تأثیر نقش نظارتی هیئت‌مدیره و رقابت در بازار محصول بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار هند پرداختند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد که استقلال هیئت‌مدیره تأثیر منفی بر عملکرد شرکت دارد ولیکن این تأثیر برای استقلال کمیته حسابرسی مثبت و معنادار است. همچنین رقابت در بازار محصول بر رابطه بین نظارت هیئت‌مدیره و عملکرد شرکت تأثیر معناداری ندارد.

---

<sup>1</sup>: Khaoula et al

چن و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین ویژگی‌های هیأت مدیره و برنامه‌ریزی مالیاتی پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که برنامه‌ریزی مالیات نتیجه تمرکز بر بهبود عملکرد کلی شرکت است و همچنین برنامه‌ریزی مالیاتی تا حدی به دلیل تأثیرات ویژگی‌های هیأت مدیره، حاکمیت شرکتی و محیط اطلاعات است.

واهب و هلند<sup>۲</sup> (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین برنامه‌ریزی مالیاتی، حاکمیت شرکتی و ارزش سهام پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که نظارت و کنترل فعالیت‌های برنامه‌ریزی مالیاتی شرکت‌ها، ارتباط مستقیمی با ارزش سهامداران و ساختار حاکمیت شرکت دارد.

نظیر و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر افزایش ارزش شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس پاکستان با در نظر گرفتن نقش تعدیل‌گری مدیریت سود اختیاری پرداختند. نتایج نشان‌دهنده رابطه مثبت حاکمیت شرکتی با ارزش شرکت‌ها است. این نتایج نقش مثبت ساختار با کیفیت حاکمیت شرکتی بر کاهش هزینه‌های نمایندگی و افزایش ارزش شرکت را تأیید می‌کند. همچنین حاکمیت شرکتی مکانیسم نقش مؤثری در کاهش اقدامات فرصت‌طلبانه مدیریت به‌منظور دست‌کاری در گزارش‌های مالی شرکت دارد. در نهایت نتایج نشان می‌دهد که رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران به‌منظور دست‌کاری در سود اثر تعدیل‌گری منفی بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و ارزش شرکت دارد.

لاینس و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی تأثیر اجتناب مالیاتی بر شهرت (اعتبار) اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت پرداختند. یافته‌های آنان نشان می‌دهند که اجتناب مالیاتی تأثیر مثبتی بر اعتبار هیأت مدیره به وسیله افزایش تعداد اعضای غیر مستقل در هیأت مدیره دارد. به بیانی دیگر، شرکت‌های دارای اجتناب مالیاتی، اعضای مستقل بیشتری در هیأت مدیره خود خواهند داشت.

---

1: Chen et al

2: waheb & Holand

3: Nazir et al

برادشو و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی در پژوهشی به بررسی ارتباط بین هزینه‌های نمایندگی و برنامه‌ریزی مالیاتی زمانی که دولت سهامدار عمده است، پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که مشوق‌های مدیریتی و گزارشگری مالیاتی منوط به ساختار مالکیت شرکت است.

۲,۳. فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌های پژوهش براساس اهداف و مبانی نظری به شرح زیر است:

فرضیه اول: ارزش شرکت بر برنامه‌ریزی مالیاتی تأثیر معناداری دارد.

فرضیه دوم: اندازه هیأت مدیره بر رابطه بین ارزش شرکت و برنامه‌ریزی مالیات تأثیر معناداری دارد.

فرضیه سوم: تفکیک نقش رئیس هیأت مدیره از مدیر عامل بر رابطه بین ارزش شرکت و برنامه‌ریزی مالیات تأثیر معناداری دارد.

فرضیه چهارم: درصد اعضای غیرموظف هیأت مدیره بر رابطه بین ارزش شرکت و برنامه‌ریزی مالیات تأثیر معناداری دارد.

### ۳. روش پژوهش و گردآوری داده‌ها

با توجه به ویژگی‌های پژوهش حاضر می‌توان آنرا از جمله پژوهش‌های کاربردی قلمداد کرد. در پژوهش حاضر استدلال از جزء به کل است بنابراین پژوهش حاضر از نظر منطبق اجرا استقرائی است. پژوهش حاضر به منظور گردآوری داده‌ها درباره یک یا چند صفت در یک مقطع خاص از زمان از طریق نمونه‌گیری از جامعه انجام شده است؛ به همین دلیل از نظر زمان مقطعی است. با توجه به این‌که پژوهش حاضر بیشتر مفهوم عینی داشته و وابسته به آمار، عدد و رقم است بنابراین از نظر نوع داده کمی است. از نظر نحوه اجرا توصیفی پیمایشی است. روش پژوهش از نظر ارتباط بین متغیرها با توجه به این‌که تعیین رابطه علت و معلولی مشخص لازم است و پژوهشگر می‌خواهد علت یا عامل بروز یک مسئله را بشناسد از نوع علی و پس‌رویدادی است.

#### ۳.۱. متغیرهای پژوهش

**متغیر تعدیلگر:** ویژگی‌های هیئت مدیره که عبارتند از:

- ۱- اندازه هیأت مدیره: در این پژوهش مطابق پژوهش عرب مازار و همکاران (۱۳۹۰) برای اندازه‌گیری اندازه هیأت مدیره از تعداد اعضای هیأت مدیره استفاده می‌شود.
  - ۲- تفکیک نقش رئیس هیأت مدیره از مدیر عامل: در این پژوهش مطابق پژوهش باباخانی و عبدی (۱۳۹۵) برای اندازه‌گیری تفکیک نقش رئیس هیأت مدیره از مدیر عامل اگر شخص واحدی دارای این دو سمت باشد، متغیر مجازی صفر و در غیر این صورت متغیر مجازی ۱ می‌پذیرد.
  - ۳- حضور مدیران غیرموظف در هیأت مدیره: در این پژوهش مطابق پژوهش عرب مازار و همکاران (۱۳۹۰) برای اندازه‌گیری حضور مدیران غیرموظف در هیأت مدیره، نسبت اعضای غیرموظف هیأت مدیره به کل اعضای هیأت مدیره تقسیم می‌شود.
- متغیر مستقل: ارزش شرکت

هیچ بازاری صد در صد کارا نیست. بررسی کارا بودن بازار، مبحث پیچیده و مشکلی است که انجام آن در این مقاله نمی‌گنجد. قیمتی که در حال حاضر در بازار ایران مورد معامله قرار می‌گیرد کاذب، ساختگی یا حبابی نیست بلکه تابعی از عرضه و تقاضا است و براساس معاملات واقعی صورت می‌پذیرد که منطقی و عقلایی است؛ به این سبب نسبت استفاده شده می‌تواند بیانگر ارزش شرکت باشد. از این روی به‌عنوان پیش‌فرض می‌پذیریم که بازار مورد بررسی مقاله، کاراست. برای محاسبه ارزش شرکت از شاخص کیوتوبین (نسبت ارزش دفتری بدهی‌ها و ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری دارایی‌ها) استفاده شده است (دارایی و داوودخانی، ۱۳۹۴).

شاخص کیوتوبین: شاخصی است که از اصلاح نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حاصل شده است و یکی از معیارهای سستی سنجش ارزش بازار شرکت است. این شاخص از رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$Q_i = \frac{MVE_i + BVD_i}{BVA_i}$$

که در آن  $Q_i$ : بیانگر ( $Q$ ) توین شرکت ( $i$ ) در سال ( $t$ )؛  $MVE_i$ : ارزش بازار سهام عادی شرکت ( $i$ ) در سال ( $t$ )؛  $BVD_i$ : ارزش دفتری بدهی‌های شرکت ( $i$ ) در سال ( $t$ ) و  $BVA_i$ : ارزش دفتری دارایی‌های شرکت ( $i$ ) در سال ( $t$ ) است.

متغیر وابسته: برنامه‌ریزی مالیاتی

برای محاسبه برنامه‌ریزی مالیاتی به پیروی از پژوهش ابدالوهاب و هالند<sup>۱</sup> (۲۰۱۳) از رابطه زیر استفاده می‌شود:

$$\text{نرخ موثر مالیاتی} = \left( \text{نرخ قانونی مالیات} - \text{نرخ موثر مالیاتی} \right)$$

کل داراییها/درآمد قبل از کسر مالیات \*

درآمد قبل از کسر مالیات/مجموع هزینه مالیات = نرخ موثر مالیاتی

<sup>۱</sup>: Abdolvahab & Haland

$$Taxpl_{it} = \sum CTP_{i,t} / \sum PTI_{it}$$

$Taxpl_{it}$ : نرخ موثر مالیاتی شرکت  $i$  در سال  $t$

$CTP_{it}$ : مجموع هزینه مالیات شرکت  $i$  در سال  $t$

$PTI_{it}$ : درآمد قبل از کسر مالیات شرکت  $i$  در سال  $t$

متغیرهای کنترلی:

**سود نقدی:** در این پژوهش مطابق پژوهش رزو و همکاران (۲۰۱۰) اگر قیمت سهم در اثر افزایش سود نقدی بالا برود و در نتیجه‌ی کاهش آن افت کند، باید توجه داشت که شرکت‌ها با بی میلی سود نقدی خود را کاهش می‌دهند. پس کاهش سود نقدی اغلب نشانه‌ای از وجود مشکل در شرکت است.

کل داراییهای شرکت / نسبت سود پرداختی در مجمع سالیانه شرکت = سود نقدی

$$Capr_{it} = \frac{PRCA_{it}}{\sum CA_{it}}$$

$PRCA_{it}$ : نسبت سود پرداختی در مجمع سالیانه شرکت  $i$  در سال  $t$

$CA_{it}$ : کل دارایی‌های شرکت  $i$  در سال  $t$

**اهرم مالی:** برای محاسبه اهرم مالی طبق پژوهش نیکومرام، رهنمای رودپشتی و هییتی (۱۳۸۸) رابطه بین سود عملیاتی و سود خالص یا سود هر سهم برای جبران خطر ناشی از هزینه‌های ثابت مالی یعنی بهره سنجیده می‌شود. در این اهرم سود عملیاتی، فشار هزینه بهره را جهت کسب سود خالص بیشتر می‌پذیرد.

مجموع داراییها در پایان دوره / نسبت مجموع بدهی ها = اهرم مالی

$$Lev_{it} = \sum D_{it} / \sum AEP_{it}$$

$D_{it}$ : نسبت مجموع بدهی‌ها شرکت  $i$  در سال  $t$

---

<sup>1</sup>: Rose and et al



$AEP_{it}$ : مجموع دارایی‌ها در پایان دوره شرکت  $i$  در سال  $t$

اندازه شرکت: برای محاسبه اندازه شرکت طبق پژوهش نمازی و کاسگری (۱۳۸۹) متغیرهایی همچون لگاریتم مجموع دارایی‌ها استفاده می‌شود.

۳،۲. جامعه آماری و نمونه پژوهش

در این پژوهش جامعه آماری کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. اطلاعات و داده‌های آماری مربوط به شرکت‌های قرار گرفته شده در نمونه آماری در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸ (۶ ساله) جمع‌آوری شده‌اند.

روش نمونه‌گیری: برای تعیین حجم نمونه ابتدا از روش غربالگری (حذفی سیستماتیک) استفاده شده است.

جدول (۱). روش غربالگری جامعه آماری

تعداد	تعداد	شرح
۶۰۱		تعداد کل شرکت‌های موجود در جامعه آماری تحقیق تا پایان سال ۱۳۹۸
-	(۲۵۱)	شرکت‌هایی که مجموعه کامل صورت‌های مالی آن‌ها در دسترس نیست
-	(۵۹)	بانک‌ها، بیمه‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها و نظیر آن‌ها
-	(۴۸)	تغییر سال مالی
-	(۵۳)	عدم انطباق سال مالی با سال شمسی
-	(۸۵)	شرکت‌های پذیرفته شده در بورس بعد از سال ۱۳۹۰
۱۰۵		مجموع شرکت‌های حاضر در نمونه

#### ۴. یافته‌های پژوهش

##### ۴,۱. آمار توصیفی

نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۲ ارائه شده است، بر این اساس میانگین استقلال هیات مدیره نشان دهنده آن است که بیش از ۶۷ درصد اعضای هیات مدیره شرکت‌های نمونه را اعضای غیر موظف تشکیل داده است. به بیانی دیگر، درصد استقلال هیات مدیره شرکت‌های نمونه ۶۷ درصد است. میانگین اندازه هیات مدیره شرکت‌های مورد بررسی نیز نشان دهنده عدد ۵ است به این معنی که تعداد اعضای هیات مدیره این شرکت‌ها ۵ نفر می‌باشد. میانگین اهرم مالی نشان می‌دهد که شرکت‌های نمونه تمایل بیشتری به تامین مالی از طریق بدهی دارند چرا که بیش از ۵۷ درصد دارایی‌های این شرکت‌ها از محل بدهی تامین گردیده است. میانگین سود سهام پرداختی شرکت‌ها نشان می‌دهد که شرکت‌های مورد بررسی به طور میانگین ۷ درصد سود سهام پرداخت نموده‌اند. میانگین اندازه شرکت نشان دهنده عدد ۱۴/۴۹۱ است. هرچه این عدد بیشتر باشد، شرکت مورد بررسی نیز بزرگتر است. میانگین نسبت برنامه‌ریزی مالیاتی نیز نشان می‌دهد که شرکت‌های نمونه به طور متوسط ۱ درصد کمتر از نرخ قانونی، نسبت به پرداخت مالیات اقدام نموده‌اند. هرچه این درصد بیشتر باشد، اجتناب مالیاتی شرکت نیز بیشتر است. میانگین ارزش شرکت نیز نشان می‌دهد که ارزش بازار شرکت‌های نمونه به طور متوسط ۳,۱۱ برابر ارزش دفتری این شرکت‌ها است.

##### جدول ۱. آمار توصیفی متغیرها

متغیرها	نماد	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین	انحراف معیار
استقلال هیات مدیره	BI	۰,۶۷۸	۰,۶۰۰	۱,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۱۸۶
اندازه هیات مدیره	BS	۵,۰۲۵	۵,۰۰۰	۷,۰۰۰	۵,۰۰۰	۰,۲۲۴
اهرم مالی	LEV	۰,۵۷۵	۰,۵۷۳	۰,۸۷۰	۰,۲۶۶	۰,۱۷۰
سود سهام پرداختی	CAPR	۰,۰۷۷	۰,۰۵۵	۰,۲۶۳	۰,۰۰۰	۰,۰۷۸
اندازه شرکت	SIZE	۱۴,۴۹۱	۱۴,۳۳۲	۱۷,۶۳۸	۱۲,۴۴۱	۱,۲۸۶
برنامه‌ریزی مالیاتی	TAXP	۰,۰۱۱	۰,۰۰۷	۰,۰۴۹	-۰,۰۱۱	۰,۰۱۵
ارزش شرکت	VALUE	۳,۱۱۵	۲,۰۶۹	۹,۷۳۵	۱,۰۸۱	۲,۳۸۵

با عنایت به این که متغیر دوگانگی وظایف مدیرعامل، یک متغیر دو وجهی است، فراوانی توزیع این متغیر در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۲. توزیع فراوانی برای متغیرهای مجازی

یک		صفر		متغیر
درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	
۰/۵۴	۳۴۱	۰/۴۶	۲۸۹	دوگانگی وظایف مدیرعامل

با توجه به نتایج توزیع فراوانی برای متغیر دو وجهی می توان گفت در ۵۴ درصد مشاهدات، مدیرعامل رئیس یا نایب رئیس هیات مدیره نمی باشد.

۴,۲. نتایج آزمون هم خطی بین متغیرهای مستقل پژوهش

در این پژوهش برای تعیین هم خطی بین متغیرهای مستقل پژوهش از عامل تورم واریانس استفاده شده است. در صورتی که عامل تورم واریانس (VIF) بیش از ۱۰ باشد، مشکل هم خطی بین متغیرها وجود دارد. نتایج هم خطی در جدول ۴ نشان می دهد که بیشترین VIF، ۸/۳۶۵ است. بنابراین، مقدار عامل تورم واریانس بیانگر نبود مشکل هم خطی بین متغیرهای توضیحی پژوهش می باشد.

جدول ۳. نتایج آزمون هم خطی بین متغیرهای مستقل پژوهش

مدل (۱)		مدل (۲)		مدل (۳)		مدل (۴)	
متغیرها	عامل تورم	متغیرها	عامل تورم	متغیرها	عامل تورم	متغیرها	عامل تورم
VALUE	۱,۰۹۷	VALUE	۶,۹۳۱	VALUE	۱,۱۰۰	VALUE	۵,۵۲۱
LEV	۱,۱۶۸	BS	۳,۱۰۵	DUAL	۶,۱۵۷	BI	۲,۷۲۳
SIZE	۱,۰۹۰	BS*VALUE	۷,۲۹۷	DUAL*VALUE	۷,۴۴۷	BI*VALUE	۸,۳۶۵
CAPR	۱,۲۴۹	LEV	۱,۱۷۹	LEV	۱,۱۹۷	LEV	۱,۱۹۹
C	-	SIZE	۱,۰۹۲	SIZE	۱,۱۰۶	SIZE	۱,۱۰۶
		CAPR	۱,۲۵۰	CAPR	۱,۲۵۳	CAPR	۱,۲۵۱
		C	-	C	-	C	-

۴,۳. نتایج آزمون مدل اول پژوهش

فرضیه اول پژوهش بیان می‌کند که ارزش شرکت بر برنامه‌ریزی مالیاتی تاثیر معناداری دارد. با توجه به نتایج جدول ۵، که ارزش شرکت بر برنامه‌ریزی مالیاتی رابطه مثبت و معناداری در سطح اطمینان ۹۵ درصد وجود دارد. بنابراین فرضیه اول پژوهش با استفاده از متغیر ارزش شرکت در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد نمی‌شود. در بین متغیرهای کنترلی نیز اهرم مالی و سود سهام پرداختنی رابطه معناداری با برنامه‌ریزی مالیاتی در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارند.

جدول ۴. نتایج حاصل از برآورد آزمون مدل (۱)

نام متغیر	نماد	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری
ارزش شرکت	VALUE	۰,۰۰۱	۰,۰۰۰	۴,۹۶۳	۰,۰۰۰
اهرم مالی	LEV	-۰,۰۳۶	۰,۰۰۵	-۷,۸۵۲	۰,۰۰۰
اندازه شرکت	SIZE	۰,۰۰۱	۰,۰۰۱	۰,۵۵۴	۰,۵۸۰
سودسهم پرداختی	CAPR	۰,۰۷۰	۰,۰۰۹	۸,۰۶۶	۰,۰۰۰
عرض از مبدا	C	۰,۰۱۲	۰,۰۲۱	۰,۵۸۱	۰,۵۶۱
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۶۴	آماره F	۱۱/۴۶		
دوربین واتسون	۱/۸۱	احتمال آماره F	۰/۰۰۰		

با توجه به نتایج آزمون مدل رگرسیون مشاهده می‌شود که سطح معناداری آماره **F** که معناداری کل رگرسیون را نشان می‌دهد، کمتر از ۵٪ است؛ به این مفهوم که مدل در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. ضریب تعیین تعدیل شده بیان‌کننده این مطلب است که تقریباً ۶۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته با متغیرهای مستقل مدل تبیین می‌شود. همچنین با توجه به اینکه مقدار دوربین واتسون بین ۱/۵ و ۲/۵ است می‌توان گفت بین متغیرهای پژوهش مشکل خود همبستگی سریالی وجود ندارد.

#### ۴,۴. نتایج آزمون مدل دوم پژوهش

فرضیه دوم پژوهش بیان می‌کند اندازه هیئت مدیره بر رابطه بین ارزش شرکت و برنامه‌ریزی مالیاتی تاثیر معناداری دارد. با توجه به نتایج جدول ۶، نسبت همزمان اندازه هیئت مدیره و ارزش شرکت تاثیر مثبت و معناداری بر برنامه‌ریزی مالیاتی در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارد. بنابراین فرضیه دوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد نمی‌شود. در بین متغیرهای کنترلی نیز اندازه شرکت، اهرم مالی و سود سهام پرداختی تاثیر معناداری بر برنامه‌ریزی مالیاتی در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارند.

جدول ۵. نتایج حاصل از برآورد آزمون مدل (۲)

متغیرها	نماد	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری
ارزش شرکت	VALUE	-۰,۰۰۴	۰,۰۰۱	-۲,۸۱۰	۰,۰۰۶
اندازه هیئت مدیره	BS	-۰,۰۰۱	۰,۰۰۴	-۰,۳۱۸	۰,۷۵۱
نسبت همزمان اندازه هیئت مدیره و ارزش شرکت	BS*VALUE	۰,۰۰۱	۰,۰۰۰	۳,۶۵۲	۰,۰۰۰
اهرم مالی	LEV	-۰,۰۳۱	۰,۰۰۴	-۸,۶۷۰	۰,۰۰۰
اندازه شرکت	SIZE	۰,۰۰۱	۰,۰۰۱	۱,۱۰۷	۰,۲۷۱
سودسهم پرداختنی	CAPR	۰,۰۶۸	۰,۰۰۷	۱۰,۰۸۶	۰,۰۰۰
عرض از مبدا	C	۰,۰۱۳	۰,۰۲۵	۰,۵۳۹	۰,۵۹۱
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۸۳	آماره F	۳۰/۹۵	
دوربین واتسون		۱/۷۷	احتمال آماره F	۰/۰۰۰	

با توجه به نتایج آزمون مدل رگرسیون مشاهده می‌شود که سطح معناداری آماره F که معناداری کل رگرسیون را نشان می‌دهد، کمتر از ۵٪ است؛ به این مفهوم که مدل در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. ضریب تعیین تعدیل شده بیان‌کننده این مطلب است که تقریباً ۸۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته با متغیرهای مستقل مدل تبیین می‌شود. همچنین با توجه به اینکه مقدار دوربین واتسون بین ۱/۵ و ۲/۵ است می‌توان گفت بین متغیرهای پژوهش مشکل خود همبستگی سریالی وجود ندارد.

#### ۴.۵. نتایج آزمون مدل سوم پژوهش

فرضیه سوم پژوهش بیان می‌کند تفکیک نقش رئیس هیأت مدیره از مدیر عامل بر رابطه بین ارزش شرکت و برنامه‌ریزی مالیات تأثیر معناداری دارد. با توجه به نتایج جدول ۷، نسبت همزمان ارزش شرکت و دوگانگی وظایف مدیرعامل تأثیر مثبت و معناداری در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارد. بنابراین فرضیه سوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد نمی‌شود. در بین متغیرهای کنترلی نیز اهرم مالی و سود سهام پرداختنی رابطه معناداری با برنامه‌ریزی مالیاتی در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارند.

جدول ۶. نتایج حاصل از برآورد آزمون مدل (۳)

متغیرها	نماد	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری
ارزش شرکت	VALUE	۰,۰۰۱	۰,۰۰۰	۵,۲۱۰	۰,۰۰۰
دوگانگی وظایف مدیرعامل	DUAL	-۰,۰۵۶	۰,۰۱۸	-۳,۱۶۰	۰,۰۰۲
نسبت همزمان دوگانگی وظایف مدیرعامل و ارزش شرکت	DUAL *VALUE	۰,۰۱۰	۰,۰۰۳	۲,۹۵۳	۰,۰۰۳
اهرم مالی	LEV	-۰,۰۳۶	۰,۰۰۵	-۷,۸۳۲	۰,۰۰۰
اندازه شرکت	SIZE	۰,۰۰۱	۰,۰۰۱	۰,۷۷۶	۰,۴۳۸
سودسهم پرداختنی	CAPR	۰,۰۷۰	۰,۰۰۹	۸,۱۲۱	۰,۰۰۰
عرض از مبدا	C	۰,۰۰۹	۰,۰۲۰	۰,۴۵۹	۰,۶۴۷
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۶۴	آماره F	۱۱/۵۴		
دوربین واتسون	۱/۷۷	احتمال آماره F	۰/۰۰۰		

با توجه به نتایج آزمون مدل رگرسیون مشاهده می‌شود که سطح معناداری آماره F که معناداری کل رگرسیون را نشان می‌دهد، کمتر از ۵٪ است؛ به این مفهوم که مدل در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. ضریب تعیین تعدیل شده بیان‌کننده این مطلب است که تقریباً ۶۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته با متغیرهای مستقل مدل تبیین می‌شود. همچنین با توجه به اینکه مقدار دوربین واتسون بین ۱/۵ و ۲/۵ است می‌توان گفت بین متغیرهای پژوهش مشکل خودهمبستگی سریالی وجود ندارد.

#### ۴,۶. نتایج آزمون مدل چهارم پژوهش

فرضیه چهارم پژوهش بیان می‌کند استقلال هیئت مدیره و ارزش شرکت و برنامه‌ریزی مالیاتی تاثیر معناداری دارد. با توجه به نتایج جدول ۸، نسبت همزمان استقلال هیئت مدیره و ارزش شرکت تاثیر مثبت و معناداری بر برنامه‌ریزی مالیاتی در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارد. بنابراین فرضیه چهارم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد نمی‌شود. در بین متغیرهای کنترلی نیز اهرم مالی و سود سهام پرداختنی رابطه معناداری با برنامه‌ریزی مالیاتی در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارند.

جدول ۷. نتایج حاصل از برآورد آزمون مدل (۴)

متغیرها	نماد	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری
ارزش شرکت	VALUE	۰,۰۰۰	۰,۰۰۱	-۰,۱۵۱	۰,۸۸۰
استقلال هیئت مدیره	BI	-۰,۰۱۱	۰,۰۰۵	-۲,۳۷۶	۰,۰۱۸
نسبت همزمان استقلال هیئت مدیره و ارزش شرکت	BI*VALUE	۰,۰۰۲	۰,۰۰۱	۲,۰۱۴	۰,۰۴۵
اهرم مالی	LEV	-۰,۰۳۶	۰,۰۰۵	-۷,۸۸۲	۰,۰۰۰
اندازه شرکت	SIZE	۰,۰۰۱	۰,۰۰۱	۰,۳۵۹	۰,۷۲۰
سودسهم پرداختی	CAPR	۰,۰۶۹	۰,۰۰۹	۷,۹۳۷	۰,۰۰۰
عرض از مبدا	C	۰,۰۲۳	۰,۰۲۱	۱,۱۰۷	۰,۲۶۹
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۶۴	آماره F		۱۱/۳۸
دوربین واتسون		۱/۸۳	احتمال آماره F		۰/۰۰۰

با توجه به نتایج آزمون مدل رگرسیون مشاهده می‌شود که سطح معناداری آماره F که معناداری کل رگرسیون را نشان می‌دهد، کمتر از ۵٪ است؛ به این مفهوم که مدل در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. ضریب تعیین تعدیل شده بیان‌کننده این مطلب است که تقریباً ۶۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته با متغیرهای مستقل مدل تبیین می‌شود. همچنین با توجه به اینکه مقدار دوربین واتسون بین ۱/۵ و ۲/۵ است می‌توان گفت بین متغیرهای پژوهش مشکل خودهمبستگی سریالی وجود ندارد.

## ۵. بحث و نتیجه‌گیری

فرضیه اول پژوهش بیان می‌کند که افزایش ارزش شرکت منجر به افزایش برنامه‌ریزی مالیاتی (اجتناب مالیاتی) می‌شود (با کنترل اثرات متغیرهای کنترلی). در خصوص تاثیر ارزش شرکت بر برنامه‌ریزی مالیاتی



استدلال‌های متفاوتی وجود دارد. در یک دیدگاه گفته می‌شود که شرکت با افزایش اجتناب مالیاتی به دنبال کاهش خروج وجوه نقد از شرکت می‌باشند که این امر در نهایت با کاهش نیاز شرکت به تامین مالی خارجی، منجر به کاهش هزینه‌های تامین مالی و در نهایت افزایش ارزش شرکت می‌شود. در حالی که استدلال دیگر بیان می‌کند که برنامه‌ریزی‌های شرکت منجر به کاهش ارزش شرکت می‌شود چرا که ریسک جرایم مالیاتی و تخریب شهرت شرکت را افزایش می‌دهد. بنابراین این یافته‌ها نیز نشان می‌دهد که با افزایش ارزش شرکت، برنامه‌ریزی مالیاتی شرکت نیز افزایش پیدا می‌کند. فرضیه دوم پژوهش بیان می‌کند که در شرکت‌های دارای هیات مدیره بزرگ، افزایش ارزش شرکت به افزایش اجتناب مالیاتی (برنامه‌ریزی مالیاتی) منجر می‌گردد (با کنترل اثرات متغیرهای کترلی). در خصوص تاثیر اندازه هیات مدیره بر کارایی نظارت در شرکت استدلال‌های متفاوتی وجود دارد. برخی مطالعات بیان می‌کنند که با افزایش اندازه هیات مدیره تنوع تخصص و تجربه در هیات مدیره افزایش و در نتیجه کارایی نظارت در شرکت افزایش پیدا می‌کند. در حالی که برخی دیگر از مطالعات نشان می‌دهند که افزایش اندازه هیات مدیره به کاهش کارایی و هماهنگی در تصمیم‌گیری در شرکت منجر می‌شود. این در حالی است که یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که افزایش اندازه هیات مدیره منجر به تشدید رابطه بین ارزش شرکت و برنامه‌ریزی مالیاتی می‌شود.

فرضیه سوم پژوهش بیان می‌کند که در صورتی مدیرعامل، رئیس یا نایب رئیس هیات مدیره شرکت باشد، افزایش ارزش شرکت به افزایش برنامه‌ریزی مالیاتی در شرکت منجر می‌شود (با کنترل اثرات متغیرهای کترلی). در خصوص تاثیر دوگانگی وظایف مدیرعامل بر کارایی نظارت در هیات مدیره تئوری‌های نمایندگی و رهبری عنوان گردیده‌اند. بر اساس مفاهیم تئوری نمایندگی، افزایش دوگانگی وظایف مدیرعامل منجر به افزایش قدرت مدیرعامل و تشدید هزینه‌های نمایندگی در شرکت می‌شود که این امر نهایتاً به کاهش کارایی نظارت در شرکت منجر می‌گردد. در حالی که بر اساس مفاهیم تئوری رهبری، افزایش قدرت مدیرعامل منجر به بهبود مکانیسم رهبری در شرکت می‌شود و کارایی نظارت را افزایش می‌دهد. خاولا و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهش خود بیان می‌کنند که دوگانگی وظایف مدیرعامل بر رابطه بین برنامه‌ریزی مالیاتی و ارزش شرکت تاثیر منفی و معناداری دارد. چن و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهش خود نشان می‌دهند که ویژگی‌های هیات مدیره بر برنامه‌ریزی مالیاتی تاثیر معناداری دارند. نتایج این فرضیه با نتایج خاولا و همکاران (۲۰۱۹) در یک

سو قرار دارد چرا که در پژوهش حاضر نیز در صورتی که مدیرعامل رئیس هیات مدیره نباشد متغیر دوگانگی وظایف مدیرعامل عدد یک را به خود اختصاص می‌دهد. فرضیه چهارم پژوهش بیان می‌کند در شرکت‌های دارای هیات مدیره مستقل، ارزش شرکت منجر به افزایش برنامه‌ریزی مالیاتی می‌شود (با کنترل اثرات متغیرهای کنترلی). براساس مفاهیم تئوری نمایندگی، حضور اعضای غیرموظف در هیات مدیره منجر به افزایش استقلال و بهبود کارایی هیات مدیره در ایفای وظایف نظارتی خود می‌گردد که در نهایت انتظار می‌رود که با افزایش استقلال هیات مدیره، هزینه‌های نمایندگی و تضاد منافع در شرکت کاهش پیدا می‌کند. یافته‌های خاولا و همکاران (۲۰۱۹) حاکی از تأثیر منفی و معنادار استقلال هیات مدیره، تنوع جنسیتی و دوگانگی وظایف مدیرعامل بر رابطه بین برنامه‌ریزی مالیاتی و ارزش شرکت است. یافته‌های سینگلا و همکاران (۲۰۱۹) نشان می‌دهد که استقلال هیات مدیره تأثیر منفی بر عملکرد شرکت دارد. نتایج فرضیه چهارم پژوهش با یافته‌های خاولا و همکاران (۲۰۱۹) و سینگلا و همکاران (۲۰۱۹) مغایر است. تفاوت در محیط عملیاتی پژوهش می‌تواند علت وجود نتایج مغایر باشد.

#### ۵.۱. پیشنهادهای کاربردی

- (۱) با عنایت به نتایج فرضیه اول و تأثیر مثبت ارزش شرکت بر برنامه‌ریزی مالیاتی به تصمیم‌گیرندگان توصیه می‌شود که به منظور کاهش ریسک جرایم مالیاتی از اقدامات کاهش مالیات که در چارچوب قوانین حسابداری و مالی نمی‌باشد پرهیز نمایند.
- (۲) با عنایت به نتایج فرضیه دوم پژوهش و تأثیر اندازه هیات مدیره بر تأثیر ارزش شرکت و برنامه‌ریزی مالیاتی به تصمیم‌گیرندگان شرکت‌ها توصیه می‌شود که جهت کاهش ریسک جرایم مالیاتی، ابزارهای نظارتی نظیر واحد حسابرسی داخلی را مکلف به ایفای نظارت ویژه بر شیوه‌های برنامه‌ریزی مالیاتی نمایند.
- (۳) با عنایت به نتایج فرضیه سوم پژوهش و تأثیر دوگانگی وظایف مدیرعامل بر تأثیر ارزش شرکت و برنامه‌ریزی مالیاتی به تصمیم‌گیرندگان شرکت‌ها توصیه می‌شود که جهت کاهش ریسک مالیاتی و افزایش استقلال هیات مدیره، دستور العمل حاکمیت شرکتی را به نحوی اصلاح نمایند که وظایف

مدیرعامل از اعضای هیات مدیره به روشنی تفکیک گردد و تا حد امکان مدیرعامل فردی خارج از اعضای هیات مدیره باشد.

(۴) با عنایت به نتایج فرضیه چهارم پژوهش و تاثیر استقلال هیات مدیره بر تاثیر ارزش شرکت و برنامه‌ریزی مالیاتی به تصمیم‌گیرندگان شرکت‌ها توصیه می‌شود که علی‌رغم اثبات نقش مدیران غیرموظف در بهبود کارایی نظارت تعادل بین حضور اعضای غیرموظف و موظف در هیات مدیره برقرار گردد چرا که اعضای موظف در هیات مدیره به سبب آشنایی بیشتر با محیط عملیاتی شرکت می‌توانند تاثیر بسزایی بر نظارت بر عملکرد مدیران داشته باشند.

#### منابع و ماخذ

#### منابع فارسی:

- انصاری، عبدالمهدی؛ کریمی، محسن (۱۳۸۸). "بررسی توان معیارهای داخلی ارزیابی عملکرد مدیریت در تبیین ارزش ایجاد شده برای سهامداران"، تحقیقات حسابداری و حسابرسی (تحقیقات حسابداری)، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۱۲-۱۲۹.
- باباجانی، جعفر؛ عبدی، مجید. (۱۳۹۵). رابطه حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات شرکتها. پژوهشهای تجربی حسابداری مالی، سال ۲، شماره ۷، صص ۸۶-۶۵.
- پورحیدری، امید؛ امینی‌نیا، میثم؛ فدوی، محمدحسن. (۱۳۹۳). بررسی تاثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر هزینه سرمایه سهام عادی با لحاظ فرصت‌های رشد و مالکیت نهادی. فصل نامه برنامه‌ریزی و بودجه، دوره ۱۹، شماره ۴، صص ۱۹۰-۱۷۳.
- جهانخانی، علی؛ ظریف‌فرد، احمد (۱۳۹۰). "آیا مدیران و سهامداران از معیار مناسبی برای اندازگیری ارزش شرکت استفاده می‌کنند؟"، فصلنامه تحقیقات مالی، شماره ۷ و ۸، صص ۷۰-۴۸.
- حساس‌یگانه یحیی؛ باغومیان رافیک. (۱۳۹۵). نقش هئیت مدیره در حاکمیت شرکتی. ماهنامه حسابدار، دوره ۲۰، شماره ۶، صص ۳۳-۳۰.
- خاکی، غلامرضا (۱۳۹۰). "روش پژوهش با رویکرد پایان نامه نویسی"، تهران، انتشارات بازتاب، چاپ هشتم.

خدادادی، ولی؛ تاکر، رضا (۱۳۹۱). "تاثیر ساختار حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی و ارزش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، نشریه پژوهشات حسابداری و حسابرسی، شماره ۱۵، صص ۱۸۹-۱۶۸.

دارابی، رویا؛ پاشانژاد، یوسف؛ تدین فرد، اسماعیل. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین مسئولیت اجتماعی، عملکرد اقتصادی و اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. بررسی‌های حسابداری، دوره ۴، شماره ۱۵، صص ۹۲-۶۷.

دارابی، رویا؛ علیمردانی، کتایون (۱۳۹۶). ارزش‌گذاری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از رویکرد وجوه نقد واقعی و بکارگیری مدل ارزش پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ۴، شماره ۶، صص ۱۳۵-۱۲۲.

رضایی، فرزین؛ ترک زاده، خدیجه (۱۳۹۵). تأثیر ترکیب هیئت مدیره بر رفتار تقسیم سود با تأکید بر اثر تعاملی متغیرها و نوع صنعت. فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی شماره ۱۵، صص ۱۸۵-۱۶۵.

سپاسی، سحر؛ اعتمادی، حسین؛ بسحاق، محمدرضا (۱۳۹۵). ارائه مدل رابطه شفافیت و اثربخشی هیئت مدیره بر سیاست تقلیل دهنده مالیاتی در توسعه سرمایه‌گذاری فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری، سال ۶، شماره ۲۱، صص ۲۴۷-۲۳۳.

صامتی، مجید؛ مرادیان تهرانی، مهناز (۱۳۸۶). "بررسی ارتباط میان ارزش شرکت با نرخ تورم با استفاده از شاخص Q توبین در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه اقتصاد مقداری (فصلنامه بررسیهای اقتصادی)، دوره ۴، شماره ۳ (پیاپی ۱۴)، صص ۶۰-۴۵.

عرب‌مازار، علی‌اکبر؛ طالب‌نیا، قدرت‌اله؛ وکیلی‌فرد، حمیدرضا؛ صمدی‌لردگانی، محمود. (۱۳۹۰). تبیین ارتباط بین شفافیت گزارشگری مالی با گزارشگری مالیاتی در ایران. پژوهشات حسابداری و حسابرسی، سال ۳، شماره ۲۲، صص ۳۷-۲۲.

فدائی‌نژاد، محمداسماعیل؛ محمودزاده، صونا (۱۳۸۶). "بررسی محتوایی معیارهای سستی و مبتنی بر ارزش ارزیابی عملکرد سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، چشم انداز مدیریت مالی و حسابداری، شماره ۱، صص ۳۷-۵۷.

مشایخی بیتا؛ سیدی، سید جلال. (۱۳۹۴). راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی. دانش حسابداری سال ۶، شماره ۲۰، صص ۸۳-۱۰۳.

نمازی، محمدحسن؛ محمدتبار کاسگری (۱۳۸۶). بکارگیری مدل چند عاملی برای توضیح بازده سهام شرکتهای پذیرفته شده در بور اوراق بهادار تهران مجله علوم اجتماعی و انسامنی دانشگاه شیراز، دوره ۲۶، شماره ۱، صص ۴۹-۶۵.

نویخت، مریم؛ نویخت، یونس. (۱۳۹۹). تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر معیارهای حسابداری ارزش شرکت: جریان نقد آزاد برای واحد تجاری و جریان نقد آزاد ناشی از کسب و کار. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۷(۶۸)، ۹۷-۱۱۹.

هاشمی، سیدعباس؛ سروش یار، افسانه (۱۳۹۰). "گذری بر مدل های تعیین ارزش شرکت در ادبیات اقتصاد و حسابداری"، فصلنامه دانش و پژوهش حسابداری، شماره ۲۵، صص ۴۴-۶۵.

همت فر، محمود؛ مقدسی، منصور. (۱۳۹۲). بررسی کیفیت افشا (قابلیت اتکا و به موقع بودن) بر ارزش سهام شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. بررسی های حسابداری و حسابرسی، سال ۲۰، شماره ۲، صص ۱۴۷-۱۳۳.

همتی، حسن؛ معین الدین، محمود؛ مظفری شمسی، مریم (۱۳۸۹). "بررسی ارتباط بین سرمایه فکری و ارزش بازار و عملکرد مالی شرکتهای غیرمالی"، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، شماره هفتم، صص ۲۳-۴۸.

منابع انگلیسی:

Ahmed, A. S., Duellman. S., and Abdel-Meguid, A. (2006). Auditor independence and client importance: Does monitoring by the board or institutional shareholders mitigate the effects of client importance? Working Paper.

Allam, Bahaaeldin Samir (2018). The impact of board characteristics and ownership identity on agency costs and firm performance: UK evidence", Corporate Governance: The International Journal of Business in Society, <https://doi.org/10.1108/CG-09-2016-0184>.

- Alzoubi, E.S.S. (2017). Audit quality, debt financing, and earnings management: Evidence from Jordan. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, <https://doi.org/10.1016/j.intaccudtax.2017.12.001>.
- Anderson, R. and Reeb, D. (2004), "Board composition: balancing family influence in S&P 500 Firms", *Administrative Science Quarterly*, Vol. 49 No. 2, pp. 209-237. Morck, R., Shleifer, A. and Vishny, R. (1988), "Management ownership and market valuation: an empirical analysis", *Journal of Financial Economics*, Vol. 20 Nos 1-2, pp. 293-315.
- Armstrong, Christopher S., Blouin, Jennifer L., Jagolinzer, Alan D., Larcher, David F. (2015). Corporate Governance, Incentives, and Tax Avoidance. *Journal of Accounting and Economics*, vol 60(1), 1-17.
- Armstrong, S.C., Blouin, L.J. & Larker, F.D. (2016). The Incentives for Tax Planning. *Journal of Accounting and Economics*. 53.
- Badertscher, B. and Katz, S. Rego, S. (2013). The separation of ownership and control and corporate tax avoidance. *Journal of Accounting and Economics*, 56, 228-250.
- Balakrishnan, K., Blouin, J., &Guay, W. (2011). Does Tax Aggressiveness Reduce Financial Reporting Transparency? Available at SSRN 1792783.
- Boubaker, S., Derouiche, I. and Nguyen, D. (2015), "Does the board of directors affect cash holdings? A study of French listed firms", *Journal of Management and Governance*, Vol. 2 No. 2, pp. 341-370.
- Boubaker, S., Derouiche, I. and Saffar, W. (2013), "Excess control rights, corporate governance and cash flow sensitivity of cash", working paper, European Financial Management Association.
- Chan, K. H., Mo, P. L., & Zhou, A. Y. (2013). Government Ownership, Corporate Governance and Tax Aggressiveness: Evidence from China. *Accounting & Finance*, 53(4), 1029-1051.

- Dahya, J., Dimitrov, O. and McConnell, J. (2008), "Dominant shareholders, corporate boards, and corporate value: a cross-country analysis", *Journal of Financial Economics*, Vol. 87 No. 1, pp. 73-100.
- Desai, A.M., Dharmapala, D. (2018), Corporate tax avoidance and firm value. *The Review of Economics and Statistics*, 91(3), 537-546.
- Ellul, A., Jappelli, T., Pagano, M., &Panunzi, F. (2012). Transparency, Tax Pressure and Access to Finance. *Review of Finance*, 20(1), 37-76.
- Goodstein, J., Gautam, K., and Boeker, W. (1994), "The effects of board size and diversity on strategic changes", *Strategic Management Journal*, Vol. 15, No.3, pp. 241-250.
- Guillet, B.D. and Mattilla, A.S. (2010), "A descriptive examination of corporate governance in the hospitality industry", *International Journal of Hospitality Management*, Vol. 29 No. 4, pp. 677-684.
- Ibrahim, Awad Elsayed Awad, (2018). Board characteristics and asymmetric cost behavior: evidence from Egypt, *Accounting Research Journal*, <https://doi.org/10.1108/ARJ-11-2015-0148>.
- Jensen, M.C. (1986), "Agency costs of free cash flow, corporate finance, and takeovers", *American Economic Review*, Vol. 76 No. 2, pp. 323-329.
- Joy, E. (2019). The Influence of Institutional Investment on Tax Aggressiveness. *Ssrn.com*.
- Kamran, A., Mahmud, H., Mike, B. and Adams. (2006), "The effects of board composition and board size on the informativeness of annual accounting earnings", *Corporate Governance*, Vol. 14 No. 5, pp. 418-431.
- Kelton, A. S., and Yang, Y. (2008), "The impact of corporate governance on internet financial reporting", *Journal of Accounting and Public Policy*, Vol. 27 No. 1, pp. 62-87.
- Khaoula, Ftouhi,. Moez, Dabboussi,.(2019). The moderating effect of the board of directors on firm value and tax planning: Evidence from European listed firms. <http://www.elsevier.com/journals/borsa-istanbul-review/2214-8450>.

- Kim, J., Li, Y. Zhang, L., (2017). Corporate Tax Avoidance and Stock Price Crash Risk: Firm Level Analysis. *Journal of Financial Economics*, 100, 639-662.
- Lanis, R. Richardson, G. (2016). Corporate Social responsibility and tax aggressiveness: a test of legitimacy theory. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 26(1). 75-100.
- Mark, Bradshawa. Guanmin, Liao. Mark (Shuai)Macd (2017). Agency costs and tax planning when the government is a major Shareholder. *Journal of Accounting and Economics*. Volume 67, Issues 2–3, April–May 2019, Pages 255-277.
- Nor, Shaipah. Abdul, Wahab. Kevin, Holland (2018). Tax planning, corporate governance and equity value. *The British Accounting Review*. Volume 44, Issue 2, June 2012, Pages 111-124.
- Oak, S. and Iyengar, R.J. (2009), “Investigating the differences in corporate governance between hospitality firms and non-hospitality firms”, *Advances in Hospitality and Leisure*, Vol. 5, pp. 125-140.
- Ross, S.A., Weserfield, R.W. and Jordan. (2010). *Fundamentals of Corporate Finance*. (9th edition). McGraw-Hill.
- Singla, Monika, Shveta Singh, (2019) "Board monitoring, product market competition and firm performance", *International Journal of Organizational Analysis*, <https://doi.org/10.1108/IJOA-07-2018-1482>.
- Soliman, M., AbdElsalam, M. (2012), Corporate governance practice and audit quality: An empirical study of the listed companies in Egypt. *International Journal of Social, Behavioural, Educational, Economics, Business and industrial Engineering*, 6(11), 1292-1297.
- Stanley, J. (2011). Is the audit fee disclosure a leading indicator of clients' business risk? *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 30(1): 157-179.